



دانشگاه بلوچستان  
تحصیلات تکمیلی

۱۷/۱/۱۰۱۳۹  
۱۸/۱/۱۳

پایان نامه کارشناسی ارشد در رشته باستان شناسی

عنوان:

# گاهنگاری نسبی محوطه های کوه خواجه براساس سفال های سطحی

استاد راهنما:

دکتر رضا مهرآفرین

استاد مشاور:

دکتر سید رسول موسوی حاجی

تحقیق و نگارش:

سیده لیلا بنی جمالی

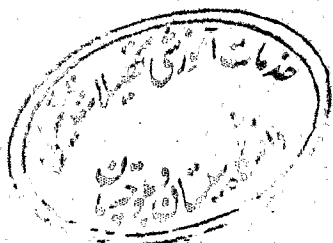
(این پایان نامه از حمایت مالی معاونت پژوهشی دانشگاه سیستان و بلوچستان بهره مند شده است)

دی ۱۳۸۷

۱۰۹۱۹۴

موسسه باستان شناسی  
دانشگاه بلوچستان

۱۳۸۸ / ۱۱ / ۱۵



### بسمه تعالی

این پایان نامه با عنوان گاهنگاری نسبی محوطه‌های کوه خواجه بر اساس سفال‌های سطحی قسمتی از برنامه آموزشی دوره کارشناسی ارشد باستان شناسی توسط دانشجو سیده لیلا بنی جمالی به راهنمایی دکتر رضا مهرآفرین تهیه شده است. استفاده از مطالب آن به منظور اهداف آموزشی با ذکر مرجع و اطلاع کتبی به حوزه تحصیلات تکمیلی دانشگاه سیستان و بلوچستان مجاز می باشد.

سیده لیلا بنی جمالی

این پایان نامه چهار واحد درسی شناخته می شود و در تاریخ ۱۳۹۷/۱۰/۲۷ توسط هیئت داوران بررسی و درجه بسیار عالی به آن تعلق گرفت.

تاریخ	امضاء	نام و نام خانوادگی	
۱۳۹۷/۱۰/۲۷		دکتر رضا مهر آفرین	استاد راهنما:
۱۳۹۷/۱۰/۲۷		دکتر سید رسول موشوی	استاد مشاور:
		حاجی	
۱۳۹۷/۱۰/۲۷		دکتر سید منصور سید	داور 1:
		سجادی	
۱۳۹۷/۱۰/۲۷		دکتر داوود صرامی	داور 2:
۱۳۹۷/۱۰/۲۷		دکتر محمد علی زهرآزاده	نماینده تحصیلات تکمیلی:



دانشگاه سیستان و بلوچستان

### تعهدنامه اصالت اثر

اینجانب سیده لیلا بنی جمالی تأیید می‌کنم که مطالب مندرج در این پایان‌نامه حاصل کار پژوهشی اینجانب است و به دستاوردهای پژوهشی دیگران که در این نوشته از آن استفاده شده است مطابق مقررات ارجاع گردیده است. این پایان‌نامه پیش از این برای احراز هیچ مدرک هم سطح یا بالاتر ارائه نشده است. کلیه حقوق مادی و معنوی این اثر متعلق به دانشگاه سیستان و بلوچستان می‌باشد.

نام و نام خانوادگی دانشجو: سیده لیلا بنی جمالی

امضاء

تقدیم به:

یگانه حامیان زندگی ام، پدر و مادر مهربانم  
تمام بود خویش را که لحظه‌ای است از ترنم طبیعت پاکتان، نثار بی کرانگیتان می‌کنم.

و تقدیم به آنانکه اهل یافتن‌ند، نه اهل بافتن  
و آنانکه معترف‌اند "حقیقتی" را یافته‌اند نه کل "حقیقت" را

## تقدیر و تشکر

سپاس بر آفریدگار که جهان هستی را آفرید و آدمیان را به اندیشه، تعقل و پژوهش درباری گذشتگان امر فرمود. اینک که توفیقی دست داد تا به بهانه‌ای دیگر برگ‌های زرین تاریخ ایران زمین را بار دیگر ورق بزنیم و با مساعدت حضرت دوست جستجوی دیگر را به انجام رسانیم، فرصت غنیمتی است تا منتدار و سپاس‌گذار دستان به دوستی گشاده و پرمهری باشیم که بی‌گمان دست پرورده مکتبی است که زکات علم را نشر آن می‌داند. در آغاز بر خود لازم می‌دانم از پدر و مادر گرامی‌ام که همواره از دعای خیرشان بهرمند شده‌ام و تمامی موفقیت‌های خود را مدیون زحمات آن‌ها هستم تشکر و قدردانی کنم.

همچنین از زحمات استاد گرانقدر جناب آقای دکتر رضا مهرآفرین که استاد راهنمای اینجانب در این پژوهش بودند و همواره با راهنمایی‌های خود مرا یاری نمودند کمال تشکر را دارم. از استاد ارجمند جناب آقای دکتر سید رسول موسوی حاجی، استاد مشاور که علیرغم مشغله‌ی فراوان با راهنمایی‌های راهگشا و مساعدت‌های بی‌دریغ همیشه با رویی گشاده پذیرایم بودند بسیار سپاس‌گذارم.

از جناب آقای خسروی، رئیس میراث فرهنگی زابل که صمیمانه هر گونه تسهیلات را برای پیشبرد کار میدانی فراهم ساختند سپاس‌گذارم.

همچنین لازم می‌دانم از جناب آقای جواد علائی مقدم که در طول تحقیق به ویژه کارهای میدانی، طراحی سفال و امور رایانه‌ای همراه بودند به خاطر تمامی لطف‌هایش تشکر و قدردانی کنم و از آقایان افشین باوندپور، احمد محمدنیا و عزیز نورزایی که در انجام کارهای میدانی همراه و همگام بودند صمیمانه سپاس‌گذارم.

از جناب آقای نیما اتحادی به جهت طراحی پلان برخی از محوطه‌ها تشکر خاص دارم. در پایان از تمامی دوستانم که در انجام این پژوهش یاریم نمودند و مایه‌ی آرامش خاطر بودند سپاس‌گذارم، موفقیت و سربلندی آن‌ها را از درگاه ایزد متان خواستارم.

## چکیده:

کوه خواجه سیستان با ارتفاع ۱۲۰ متر از سطح دشت سیستان در فاصله ۲۰ کیلومتری جنوب غربی شهر زابل واقع شده است. این کوه یکی از مناطق مهم تاریخی به شمار می‌رود که موقعیت ژئوپلیتیکی و مذهبی آن از ایام باستان سبب شده که در سطح مسطح و دامنه کم شیب شرقی آن بناهای قابل توجهی احداث شود.

علیرغم مطالعات و پژوهش‌های انجام گرفته از سوی محققانی چون اشتاین، هرتسفلد، گولینی، موسوی و غنیمتی تاکنون مجموعه آثار آن به طور کامل شناسایی و معرفی نگردیده و از سوی دیگر درباره هر یک از محوطه‌های شناخته شده آن کرونولوژی مشخصی ارائه نشده است. تا پیش از این اساس پژوهش‌های باستان‌شناختی بر روی برخی از محوطه‌های کوه خواجه را مطالعات و بررسی‌های معماری تشکیل می‌داد و نسبت به مطالعه مواد فرهنگی آن خصوصاً سفال هیچ‌گونه اقدام جدی و علمی صورت نگرفته بود.

در این پژوهش سعی بر آن است تا ضمن شناسایی و معرفی کلیه محوطه‌های واقع بر سطح و دامنه کوه خواجه نسبت به تاسیس تاریخ استقرار، طول دوره و پایان اسکان در هر محوطه براساس طبقه‌بندی، گونه‌شناسی و گونه-شناختی نمونه‌های شاخص سفالینه‌های سطحی اقدام شود.

براساس پیمایش گام به گام در کوه خواجه، تعداد ۱۵ محوطه شناسایی گردید که از این تعداد ۱۱ محوطه دارای سفال و چهار محوطه فاقد سفال می‌باشند. گونه‌شناختی و گاهنگاری نسبی سفال‌های سطحی محوطه‌های یازده‌گانه نشان داد که سه دوره استقرار متفاوت در آن‌ها قابل شناسایی است. چنان‌که از این تعداد سه محوطه دارای استقرار-های دوره تاریخی (اشکانی-ساسانی)، یک محوطه استقرارهای دوران تاریخی-اسلامی و هفت محوطه دارای استقرار دوره اسلامی می‌باشد.

محوطه‌های فاقد سفال براساس نوع، چگونگی و نیز سازه‌هایی که در مجاورت آن‌ها قرار داشتند تا حدودی زمان-سنجی شدند به گونه‌ای که سه محوطه از این تعداد به دوره اسلامی و یک محوطه به دوره تاریخی-اسلامی تعلق دارد. طبقه بندی و مقایسه گونه‌شناختی سفال‌های سطحی سه محوطه قلعه کافرون، کک‌کهزاد و قلعه چهل دختران نشان می‌دهد که آغاز استقرار در هر سه محوطه به دوران اشکانی می‌رسد و با اندکی اختلاف در یک دوره بنا گردیده-اند. اما از آن جایی که قلعه کافرون از نظر وسعت، امکانات و استحکامات برتری بیشتری نسبت به دو محوطه کک‌کهزاد و قلعه چهل دختران داشته در دوره اسلامی نیز از آن استفاده شده است.

کلمات کلیدی: سیستان، کوه خواجه، سفال، بررسی، دوره‌اشکانی، دوره‌ی ساسانی

## فهرست مطالب

صفحه	عنوان
۱	کلیات.....
۲	۱. تعریف مسئله و بیان آن .....
۳	۲. سابقه و ضرورت انجام تحقیق.....
۳	۳. فرضیه‌های تحقیق.....
۳	۴. اهداف .....
۴	۵. چه کاربردهای از انجام این تحقیق متصور است؟ .....
۴	۶. استفاده کنندگان از نتایج پایان‌نامه .....
۴	۷. نوآوری طرح دز چیست؟.....
۴	۸. روش انجام تحقیق.....
۵	۹. روش و ابزار گردآوری اطلاعات.....
۵	۱۰. روش تجزیه و تحلیل اطلاعات.....
۶	مقدمه .....
۸	فصل اول: مطالعات اسنادی .....
۹	۱-۱- جغرافیای طبیعی .....
۹	۱-۱-۲- موقعیت و وسعت استان سیستان و بلوچستان.....
۱۰	۱-۱-۳- اقلیم سیستان.....
۱۰	۱-۱-۳-۱- دما .....
۱۰	۱-۱-۳-۲- باد .....
۱۱	۱-۱-۴- هیدرولوژی .....



۱۲	..... رودخانه‌ها -۱-۴-۱-۱
۱۳	..... دریاچه‌ها -۲-۴-۱-۱
۱۵	..... ژئومورفولوژی -۵-۱-۱
۱۶	..... پوشش گیاهی -۶-۱-۱
۱۷	..... پوشش جانوری -۷-۱-۱
۱۸	..... جغرافیای تاریخی -۲-۱
۱۹	..... پیش از اسلام -۱-۲-۱
۲۶	..... دوران اسلامی -۲-۲-۱
۲۸	..... کوه خواجه از منظر خاور شناسان و سیاحان غربی -۳-۱
۲۸	..... سر پرسی سایکس -۱-۳-۱
۳۰	..... سر چارز ادوارد بیت -۲-۳-۱
۳۱	..... سر آرتور مک ماهون -۳-۳-۱
۳۲	..... هنری ساوج لندور -۴-۳-۱
۳۶	..... جی. پی. تیت -۵-۳-۱
۳۸	..... هانتینگتون -۶-۳-۱
۳۹	..... پیشینه مطالعات باستان شناختی کوه خواجه سیستان -۴-۱
۴۲	..... پی‌نوشت
۴۳	..... نقشه
۴۷	..... فصل دوم: مطالعات میدانی
۴۸	..... کوه خواجه، موقعیت، وسعت و توصیف توپوگرافیک -۱-۲
۴۸	..... وجه تسمیه کوه خواجه -۲-۲
۴۹	..... روش بررسی -۳-۲
۴۹	..... روش نمونه برداری -۴-۲
۵۰	..... روش ثبت و ضبط یافته‌های منقول -۵-۲
۵۰	..... روش ثبت و ضبط یافته‌های غیر منقول -۶-۲
۵۲	..... مطالعه یافته‌های منقول -۷-۲
۵۳	..... مکان‌های شناسایی شده -۸-۲
۵۴	..... مکان شماره ۱ (قلعه کافرون) -۱-۸-۲
۹۶	..... مکان شماره ۲ (قلعه کک کوهزاد) -۲-۸-۲
۱۱۴	..... مکان شماره ۳ (گورهای سنگی) -۳-۸-۲
۱۱۹	..... مکان شماره ۴ (زیارت پیر گندم بریان) -۴-۸-۲
۱۲۹	..... مکان شماره ۵ -۵-۸-۲
۱۳۸	..... مکان شماره ۶ -۶-۸-۲
۱۴۴	..... مکان شماره ۷ -۷-۸-۲
۱۵۰	..... مکان شماره ۸ -۸-۸-۲
۱۵۸	..... مکان شماره ۹ (زیارت خواجه غلطان) -۹-۸-۲
۱۶۳	..... مکان شماره ۱۰ -۱۰-۸-۲
۱۷۳	..... مکان شماره ۱۱ -۱۱-۸-۲
۱۸۱	..... مکان شماره ۱۲ (حوض سنگی) -۱۲-۸-۲
۱۸۴	..... مکان شماره ۱۳ -۱۳-۸-۲

۱۸۷	.....مکان شماره ۱۴ (قلعه چهل دختر).....
۲۰۷	.....مکان شماره ۱۵.....
۲۱۷	.....پی‌نوشت.....
۲۱۹	.....نقشه.....
۲۲۱	.....فصل سوم: تحلیل داده‌ها و ارزیابی فرضیات.....
۲۲۲	.....۱-۳- تحلیل داده‌ها.....
۲۳۰	.....۲-۳- آزمایش و سنجش فرضیات.....
۲۳۲	.....فصل چهارم: جمع‌بندی و نتیجه‌گیری.....
۲۳۷	.....منابع.....
۲۴۵	.....چکیده انگلیسی.....

## کلیات

## ۱- تعریف مسئله و بیان آن:

کوه خواجه سیستان در سه دین زردشتی، مسیحیت و اسلام از تقدس ویژه‌ای برخوردار است. در اوستا از این کوه به نام اوشیدا یاد شده و آن را جایگاه نزول وحی به زردشت دانسته‌اند. سه مگی که از ایران ستاره ظهور حضرت مسیح را تا اورشلیم دنبال کردند از کوه خواجه برخاستند و سرانجام یکی از احفاد حضرت علی (ع) که توسط راهزنان به شهادت رسیده بود در بالای این کوه مدفون گردیده است (سید سجادی، ۱۳۸۲: ۵۲). موقعیت ژئوپلیتیکی کوه خواجه از ایام باستان موجب گردیده بود تا گردن‌کشان، شاه زادگان مغضوب و حتی حاکمان سیستان به این کوه به دید یک پناهگاه امن و قابل دفاع بنگرند. از سوی دیگر جاذبه‌های طبیعی و منحصر به فرد و زیبای آن که در سال‌های پرآبی دریاچه هامون در گستره‌ای سبز (نی‌ها و مراتع) با هوای دلپذیر و مطبوع تابستانی و صید انواع پرندگان و آبزیان قرار دارد، توجه حاکمان و قدرت‌مندان را به خود جلب کرده بود (هرتسفلد، ۱۳۸۱: ۲۹۸).

عوامل فوق موجب گردیده بود تا از ادوار ناشناخته‌ای بر سطح مسطح و دامنه پرشیب این کوه بناهای قابل توجهی احداث گردد. مهم‌ترین بناهای کوه خواجه عبارتند از: ۱- کاخ کوه خواجه (ارگ) ۲- قلعه کک کهزاد ۳- قلعه چهل دختران ۴- آرامگاه پیر گندم بریان ۵- مقابر و گورستان دوره اسلامی (آرمگاه خواجه غلطان).

با وجود این که باستان‌شناسان و معمارانی چون اشتاین، هرتسفلد، گولینی، سید سجادی، محمود موسوی و سرور غنیمتی به مطالعه و تحقیق پیرامون محوطه‌های باستانی کوه خواجه پرداخته‌اند (سید سجادی، ۱۳۸۲: ۵۳). اما تاکنون کرونولوژی مشخص و دقیقی درباره هر یک از محوطه‌های آن ارائه نشده است. چنان که در این زمینه اختلاف نظر فاحشی در میان پژوهش‌گران و باستان‌شناسان وجود دارد. از این رو در پژوهش حاضر سعی بر آن است تا ضمن شناسایی کلیه محوطه‌های موجود در سطح و دامنه این کوه و با جمع‌آوری نمونه‌های شاخص سفالینه‌های پراکنده سطحی در هر یک از بناهای شناسایی شده، نسبت به تاسیس تاریخ استقرار، طول دوره اسکان و سرانجام پایان آن در هر محوطه اقدام گردد.

عمده‌ترین سوالاتی که در این پژوهش مطرح است عبارتند از:

- ۱- اولین و آخرین دوره استقرار بر روی کوه خواجه به چه زمانی تعلق دارد؟
- ۲- قلعه کک کهزاد و قلعه چهل دختران در چه دورانی بنا گردیده‌اند؟

## ۲- سابقه و ضرورت انجام تحقیق:

راجع به کوه خواجه باستان‌شناسان و معمارانی چون اشتاین (Stein, 1928)، هرتسفلد (هرتسفلد، ۱۳۸۱)، گولینی (Gullini, 1964) سید سجادی (سید سجادی، ۱۳۸۲)، محمود موسوی (موسوی، ۱۳۷۴) و سرور غنیمتی (Ghanimati, 2001) به مطالعه و تحقیق پیرامون کاخ باستانی این کوه (ارگ) پرداخته‌اند، اما تاکنون یک کرونولوژی مشخص درباره‌ی هر یک از اماکن آن ارائه نشده است. چنان‌که در این باره اختلاف نظر در میان محققین و پژوهش‌گران دیده می‌شود. در این پژوهش سعی بر آن است تا با مطالعه سفالینه‌های سطحی در هر یک از بناهای کوه خواجه نسبت به تاسیس تاریخ استقرار، طول دوره اسکان و سرانجام پایان آن اقدام گردد و از سوی دیگر با پیمایش و بررسی دقیق کوه و دامنه‌های پر شیب آن، کلیه آثار و اماکن استقراری آن شناسایی شود و این موضوع به وضوح ضرورت انجام تحقیق حاضر را توجیه می‌نماید.

## ۳- فرضیه‌های تحقیق:

در این پژوهش دو فرضیه دنبال می‌شود که عبارتند از:

۱- نخستین دوره استقرار بر روی کوه خواجه به دوره حکومت اشکانیان می‌رسد و آخرین دوره‌ی استقرار در آن مربوط به عصر اسلامی است.

۲- قلعه کک کوهزاد و قلعه چهل دختران همزمان با کاخ کوه خواجه (ارگ) بنا گردیده‌اند.

## ۴- اهداف:

- سنجش و نقد فرضیات مطرح شده

- شناسایی آثار و محوطه‌های استقراری کوه خواجه

- تعیین تاریخ استقرار و ترک هر یک از محوطه‌های شناخته شده

- شناخت سفال دوره تاریخی سیستان و نیز کشف وجوه تشابه و افتراق آن‌ها با دیگر محوطه‌های دوران

تاریخی ایران

#### ۵- چه کاربردهایی از انجام این تحقیق متصور است؟

- جلب و جذب گردشگران فرهنگی به یک محوطه باستانی از دوران تاریخی ایران
- مشخص ساختن فرایند توالی استقرار و یا انقطاع آن
- فراهم آوردن بستری مناسب جهت تحقیقات باستان‌شناختی در زمینه شناخت سفال سیستان
- ترسیم نمودار اهمیت باستان‌شناختی کوه خواجه در محافل علمی و ارائه آن در مجلات معتبر پژوهشی و سمینارهای داخلی و خارجی

#### ۶- استفاده‌کنندگان از نتایج پایان‌نامه:

- سازمان میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی
- سازمان میراث فرهنگی استان س و ب
- دانشگاه‌هایی که دارای گروه باستان‌شناسی، معماری، هنر و تاریخ می‌باشند
- بنیاد ایران‌شناسی
- سازمان صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران
- سازمان ارشاد و فرهنگ اسلامی

#### ۷- نوآوری طرح در چیست؟

- زمان‌سنجی آثار و محوطه‌های استقراری کوه خواجه براساس مطالعه سفال‌های سطحی
- شناسایی کلیه محوطه‌های کوه خواجه و گاهنگاری هر یک از آنها
- تفکیک سفال دوره اشکانی از ساسانی در حد امکان

#### ۸- روش انجام تحقیق:

تحقیق حاضر براساس تحقیقات بنیادی و ماهیت و روش تاریخی است که در آن موضوع بحث با استفاده از منابع مکتوب و داده‌های باستانی (مواد فرهنگی) تا حصول نتایج علمی دنبال خواهد شد.

## ۹- روش و ابزار گردآوری اطلاعات:

روش تحقیق به دو صورت خواهد بود:

۱- روش میدانی: در این روش به صورت پیمایشی کلیه آثار و محوطه‌های باستانی مشخص و با استفاده از GPS مختصات هر یک از آن‌ها ثبت خواهد شد. روش نمونه برداری مواد فرهنگی موجود در سطح محوطه‌های باستانی شناسایی شده، به صورت گردآوری گونه‌های متعدد سفالین انجام می‌شود. برای این منظور محوطه‌هایی که وسعت آن‌ها کمتر از ۳۰۰۰ متر مربع باشد با دو محور متقاطع در چهار جهت اصلی به چهار بخش و محوطه‌های بزرگتر با چهار محور متقاطع در چهار جهت اصلی و فرعی به هشت بخش، تقسیم خواهد شد. سپس در هر بخشی نسبت به گردآوری گونه‌های متعدد سفالین (از هر گونه حداکثر پنج مورد) اقدام می‌شود. در پایان، قطعه سفال‌های جمع‌آوری شده از هر مکان، در همان محل مورد طبقه‌بندی و گونه‌شناسی قرار می‌گیرد و در نهایت از هر گونه یک یا دو مورد انتخاب و سایر موارد به محل اصلی خود برگردانده می‌شود. با این روش، هم نیاز به برخورداری از تعداد نمونه‌های سفالین برای گاهنگاری نسبی فراهم می‌شود و هم از برهم خوردن پراکنش طبیعی سفال‌ها خودداری می‌گردد.

۲- روش کتابخانه‌ای: در این روش، تمامی منابع مربوط به کوه خواجه سیستان شناسایی خواهد شد و کلیه اطلاعات مربوط به این کوه از لابه‌لای آن‌ها استخراج گردیده و به دقت مورد تامل و تعمق قرار خواهند گرفت. این کار به صورت تهیه فیش، جدول، طرح و نقشه انجام خواهد گرفت.

## ۱۰- روش تجزیه و تحلیل اطلاعات

اطلاعات به دست آمده از مطالعات باستان‌شناختی سفالینه‌ها (طراحی، طبقه‌بندی، گونه‌شناسی و ثبت ویژگی‌های فنی و تکنیکی) با دیگر سفالینه‌های محوطه‌های مجاور که به صورت سیستماتیک و علمی مطالعه شده و دارای یک کرونولوژی نسبی می‌باشند، مورد مقایسه قرار خواهد گرفت و نهایتاً با مقایسه گونه‌شناختی آن‌ها نسبت به گاهنگاری هر یک از محوطه‌ها اقدام خواهد شد.

## مقدمه

دقت در پراکندگی پژوهش‌های باستان‌شناسی ایران نشان می‌دهد که این پژوهش‌ها به طور یکنواخت در مناطق مختلف انجام نشده است. چنان‌که بسیاری از مناطق به دلیل فقدان پژوهش‌های هدف‌دار و علمی باستان‌شناختی هم‌چنان ناشناخته باقی مانده‌اند. از سوی دیگر در مناطقی هم، که پژوهشی صورت گرفته این تحقیقات بر روی دوره‌ی خاصی متمرکز شده است. در منطقه جنوب‌شرق ایران نیز تاکنون پژوهش‌های اندکی صورت گرفته و عمده‌ی پژوهش‌هایی که انجام شده نیز در زمینه‌ی پیش از تاریخ بوده در حالی که دوره تاریخی این منطقه تا حدود زیادی ناشناخته مانده است.

کوه خواجه‌ی سیستان، یکی از مناطق مهم تاریخی ایران است که از این قاعده مستثنی نیست. این محوطه به دلیل موقعیت جغرافیایی و مهجور بودن آن چندان، توجه باستان‌شناسان و معماران را به خود جلب نکرده است و به جز چند کاوش محدود توسط باستان‌شناسان خارجی و ایرانی و توصیف‌های کوتاهی که توسط سیاحان و بازدید کنندگان از آن آورده شده تاکنون گام جدی و علمی برای شناسایی محوطه‌های آن برداشته نشده است.

مطالعه پژوهش‌های پیشین کوه خواجه نشان می‌دهد که هدف اصلی در این کاوش‌ها شناخت هر چه بیشتر معماری این مکان بوده و اساساً به طور سنتی، باستان‌شناسانی که با آثار هنری و یادمان‌های مشهور تاریخی سروکار دارند، به مطالعه سفال آن توجه نکرده‌اند و دقیقاً به همین علت، در کاوش‌های پیشین اطلاعات فراوانی را که می‌توان با مطالعه سفال به دست آورد، از دست داده‌ایم. از این رو در پژوهش حاضر سعی گردیده تا ضمن شناسایی کلیه محوطه‌های موجود بر سطح این کوه و با جمع‌آوری نمونه‌های سفالین شاخص در هر یک از بناها، نسبت به تاریخ‌گذاری در هر محوطه اقدام شود.

اطلاعات به دست آمده در چهار فصل، تحت عناوین زیر طبقه بندی و تشریح گردید:

فصل اول شامل مطالعات اسنادی می‌باشد که به جغرافیای طبیعی، جغرافیای تاریخی و پیشینه مطالعات باستان‌شناختی کوه خواجه پرداخته شده است.

فصل دوم شامل مطالعات میدانی می‌باشد که در این فصل توصیف توپوگرافیک کوه خواجه، وجه تسمیه آن، روش بررسی، نمونه برداری، ثبت و ضبط یافته‌های منقول و غیرمنقول و مکان‌های شناسایی شده به تفصیل بیان شده است.



فصل سوم شامل تحلیل داده‌ها و ارزیابی فرضیات می‌باشد.  
فصل چهارم در این فصل جمع‌بندی و نتیجه‌گیری مطرح شده است.

فصل اول  
مطالعات اسنادی

## ۱-۱- جغرافیای طبیعی:

در تعریف جغرافیای طبیعی سیستان می‌توان گفت که دشت سیستان عبارت از مجموعه دلتاهائی است که در طی هزاران سال در اثر تغییر مسیر رودخانه هیرمند به وجود آمده و به دو قسمت شمالی و جنوبی تقسیم شده است. دشت سیستان که قسمتی از فلات بزرگ ایران است به وسیله کوه‌های بلند محدود شده است. این دشت از شمال و شرق به رشته کوه‌های بابا و سلیمان در افغانستان مرکزی، از غرب به کویر لوت و استان خراسان و از جنوب به بلوچستان و کوه‌های ملک سیاه (معادن سنگ) محدود می‌شود. پدیده‌های اصلی جغرافیایی در سیستان عبارتند از: دشت، دریاچه، دلتا و رودخانه که هر کدام به نوعی در سرنوشت سیستان سهیم بوده‌اند (سید سجادی، ۱۳۶۲: ۹۱).

### ۱-۱-۱- موقعیت و وسعت استان سیستان و بلوچستان:

استان سیستان و بلوچستان به لحاظ وسعت، از بزرگ‌ترین استان‌های کشور است. این استان با وسعتی حدود ۱۸۷۵۰۲ کیلومتر مربع در جنوب شرقی ایران و در مختصات ۲۵ درجه و ۳۰ دقیقه تا ۳۱ درجه و ۲۸ دقیقه عرض شمالی و ۵۸ درجه و ۴۷ دقیقه تا ۶۳ درجه و ۱۹ دقیقه طول شرقی واقع شده است. این استان از قسمت شمال و شمال غرب با استان خراسان جنوبی به طول ۱۹۰ کیلومتر و در قسمت غرب با استان کرمان به طول ۵۸۰ کیلومتر و با استان هرمزگان به طول ۱۶۵ کیلومتر هم‌جوار است و در سمت شرق با کشور پاکستان به طول ۹۰۰ کیلومتر و با کشور افغانستان به طول ۳۰۰ کیلومتر مرز مشترک دارد. این استان از دو ناحیه سیستان و بلوچستان تشکیل شده، که از لحاظ طبیعی با یکدیگر متفاوتند.

ناحیه سیستان با ۸۱۱۷ کیلومتر مربع وسعت، در قسمت شمالی این استان قرار دارد و حوزه مسطح و مسدودی است که از آبرفت‌های دلتای قدیمی و فعلی رود هیرمند تشکیل شده است.

ناحیه بلوچستان به مساحت ۱۷۹۳۵۸ کیلومتر مربع، منطقه وسیع کوهستانی است که حد شمالی آن،

کویر لوت و حد جنوبی آن دریای عمان است ( [www.sistanmet.ir](http://www.sistanmet.ir) ).

#### ۱-۱-۲ اقلیم سیستان:

انسان در محیط زندگی خود مواجه با همان فشارهایی می‌شود که برای حیوانات آن ناحیه وجود دارد؛ بیشتر دانشمندان به تاثیر آب و هوا بر روی فیزیولوژی بدن انسان و خلق و خوی وی معتقد بودند. ال ورث هانتینگتون چنین اظهار نموده است که آب و هوا در توارث نژادی و توسعه فرهنگی به عنوان یکی از سه عامل بزرگ تعیین کننده شرایط تمدن جای دارد (توسلی، ۱۳۵۳: ۷۵).

شرایط نامساعد طبیعی دشت سیستان از عوامل عمده‌ی عقب ماندگی‌های اقتصادی و اجتماعی این ناحیه است از اصلی‌ترین شرایط طبیعی که به طور مستقیم بر روی حیات انسانی تاثیر دارد و موجبات ناراحتی‌های جسمی و روحی را برای انسان فراهم می‌آورد گرما و باد است (خسروی، ۱۳۶۸: ۱۷۷).

#### ۱-۱-۲-۱-۱-۵۵:

سیستان براساس طبقه‌بندی کوپن دانشمند اتریشی و پیشنهادهای اصلاحی راسل آمریکایی، از نظر اقلیمی دارای آب و هوای خیلی گرم و خشک بیابانی است. گرم‌ترین ماه سال تیر و حداکثر درجه حرارت سالانه بالای ۴۰ درجه و تا ۵۳ درجه سانتی‌گراد ثبت شده است. در پاییز، هوا معتدل و زمستان سرد می‌باشد. سردترین ماه سال، دی و حداقل حرارت مطلق به ۱۲ درجه سانتی‌گراد زیر صفر می‌رسد. متوسط حرارت سالانه ۷/۲۱ درجه سانتی‌گراد و میزان رطوبت نسبی بین ۶۷ تا ۵۲ درجه متغیر است. بیشترین ساعات تابش آفتاب، در تیرماه و کم‌ترین آن، در دی ماه رخ می‌دهد (افشار سیستانی، ۱۳۶۹: ج ۱، ۳۱) در سیستان دو فصل وجود دارد: زمستان و تابستان. اواسط زمستان بیشترین بارندگی را دارد خصوصاً ژانویه (دی و بهمن) برف کم است، از ژوئن تا اکتبر (خرداد تا آبان) عموماً باران نم بارد (Fairservice, 1961: 14).

#### ۱-۱-۲-۲-۱-۵:

مک‌ماهون می‌گوید: اگر لازم باشد به یک سرزمین نام مملکت باد اطلاق شود مناسب تر از سیستان پیدا نخواهد شد (سیستانی، ۱۳۴۶: ۱۹).

مهم‌ترین بادهای سیستان عبارتند از: «۱- باد قوس، در اواخر آذر یا اوایل زمستان می‌وزد. جهت آن عموماً شمالی بوده و از عوارض آن افت درجه و ایجاد بارش‌های محلی است. ۲- باد گاوکش، این باد نیز در زمستان می‌وزد و در بعضی از سال‌ها موجب خسارت‌های جانی و مالی می‌گردد. ۳- باد پنجهک، در زمستان می‌وزد. ۴-